

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترکیب وقوائد نحوی

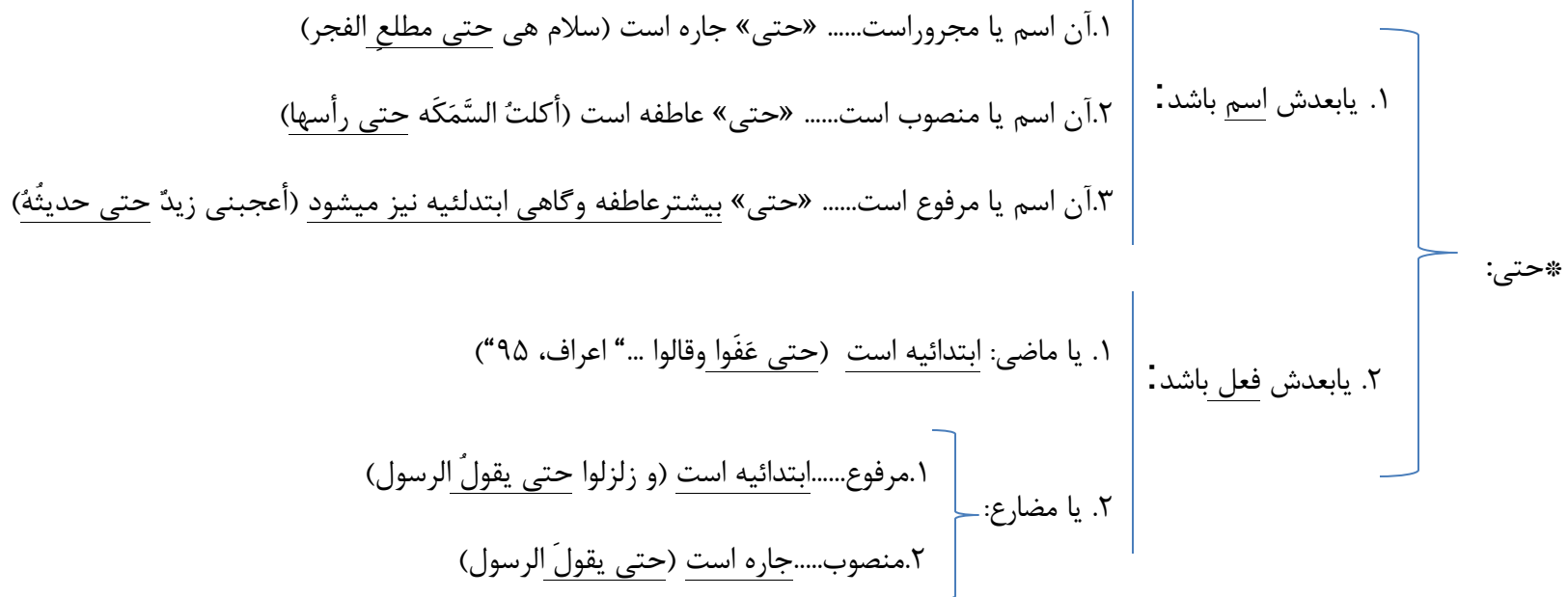
*بعد از حروف جار همیشه اسم است مگر اینکه حروف جار (حتی، لام) باشد که در این صورت ممکن است فعل مضارع هم بیاید (حتی یحکمونک فیما شجر "نساء، ۶۵")
(لم یکن الله لیغفر لهم "نساء، ۱۶۸)

*گاهی (باء، کاف، لام، من) از حروف جار زائده میشوند لذا کلمه ما بعد آن ترکیب دیگری غیر از مجرور پیدا میکند مانند فاعل یا نائب فاعل یا مبتدا یا مفعول و یا خبر که اعراب آن لفظا مجرور میباشد (ما رأیت مِنَ رَجُلٍ "من: زائده ، رجل: مفعول به لفظا مجرور محلا منصوب")

*کفی + باء (زائده) + اسم مجرور (فاعل) (کفی بالله "با: زائده ، لله: فاعل لفظا مجرور محلا مرفوع")

*لیس + باء (زائده) + اسم مجرور (خبر لیس) (لیس زیدٌ بقائم "قائم: خبر «لیس» لفظا مجرور، محلا منصوب")

*ما + اسم مرفوع + باء (زائده) + اسم مجرور (خبر ما) (ما سعید بقائم "با: زائده ، قائم: خبر «ما» لفظا مجرور محلا منصوب")



*در جمله (بسم الله...) حرف جار (باء) و مجرور آن یا متعلق به (أبتداءً، أستعين) است یا متعلق به (كائن و كائن) خبر برای مبتدا محذوف ابتدائی است

جمله فعلیه جمله اسمیه

*قانون: اسم ظاهر در حکم غایب است در نتیجه ضمیر غایب به آن برمی گردد

*بسم الله (هو محذوف) الرحمن الرحيم

اگر به کسر بخوانیم..... <رحمن (صفت ۱)، رحيم (صفت ۲)

اگر به فتح بخوانیم..... <رحمن (مفعول به برای فعل محذوف)، رحيم (عطف بر رحمن)

اگر به ضمه بخوانیم..... <رحمن (خبر برای مبتدا محذوف)، رحيم (خبر ۲)

*قانون: هرگاه اسمی که صفت است مکسور بود میتوان آن را از تابعیت قطع نمود و آن را منصوب (بنابر مفعول به برای فعل محذوف) یا مرفوع (خبر برای مبتدا محذوف) خواند

*قانون: علم هیچ گاه اضافه نمیشود

*قانون: علم، تثنیه و جمع بسته نمی شود مگر اینکه با (ال) باشد

*قانون: (واو) اگر در اول کلام باشد و بعدش مکسور بود نمی تواند استینافیه یا عاطفه باشد

* (واو) در آغاز کلام و بعد آن اسم مجرور آمد، (واو) جاره میباشد (والعصر)

* إِنَّ + اسم (اسم إِنَّ) + جار و مجرور (خبر إِنَّ) است (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسِرٍ)

* إِنَّ + جمله + لَ +
↓

← قبل از (لام):
۱. یا قسم است: در جواب قسم (والعصر إِنَّ لَفِي) "لام در «لَفِي» در جواب قسم میباشد"

← ۲. یا قسم نیست: مزحلقه (إِنَّكَ أَعْلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ) "لام در «لَعْلَىٰ» مزحلقه میباشد"

ترکیب انحرافی:

* <u>زَيْدٌ</u>	كَا	رِيمٍ	* <u>إِنَّ</u>	هَنْدٌ	المليحةُ	الحسنى
مبتدا	جار	مجرور	فعل امر	منادا	صفت ۱	صفت ۲
	خبر		(أنت) فاعل	برای نداء محذوف		

*قانون: صله موصول اسمی حتما دارای عائد است و عائد در موصول اسمی حتما ضمیر است و ضمیر در صله گاهی محذوف است (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا...) (جاءَ الذی ضَرَبْتُ)

*قانون: هرگاه قبل از «إِلا»، واو یا فاء آمد حتما «إِلا» مرکب از «إِن» شرطیه و «لا» نافییه میباشد

۱. مرکب از «إِن» شرطیه «لا» نافییه (به معنای: واگر نه) هست

*حالات استعمالی «إِلا»:

۱. استثنائیه..... < (به معنای: مگر)
۲. بسیط: ۲. وصفیه..... < (به معنای: غیر)

۱. حرفی «أَنْ، لَوْ، مَا، كَيْ»: (احتیاج به عائد ندارد و مابعدش را تاویل به مصدر میبرد)

*موصول:

۱. مختص: «الذی، الّتی، الذین»

۲. مشترک: «مَنْ، مَا، ال»

۲. اسمی:

۱. یا حرف جار است: ضمائر مجرور میشود مانند (منه)
 ۲. یا حرف مشبیه است: ضمائر اسم حرف مشبیه میشود مانند (إنّه)
۱. قبلش حرف باشد:

۲. قبلش اسم باشد: ضمائر مضاف الیه میشوند مانند (غلامه)

۱. تام: ضمائر مفعول به میشوند

۲. ناقص: ضمائر خبر فعل ناقص مانند (کنته)

۳. قبلش فعل باشد:

* ترکیب ضمائر متصل
 مجروری و منصوبی
 ه، هما، هم، ها، هما، هن،
 ک، کما، کم، ک، کما، کن، ی، نا):

۱. یا فعل مضارع و امر است: ضمیر «نا» مفعول به میباشد (عَلَمْنَا ، يَنْصُرْنَا)

۱. یا فعل معلوم است: ضمیر «نا» فاعل میشود (نَصَرْنَا)

۲. یا فعل مجهول است: ضمیر «نا» نائب فاعل میشود

۱. یا صیغه ۱۴ است:

۲. یا فعل ماضی است:

۲. یا خیر: ضمیر «نا» مفعول به میباشد (نَصَرْنَا)

* قانون: ضمیر «نا» اگر متصل به فعل شد
 از ۳ حالت خارج نیست:

* ضمیر (نا) به سه شرط فاعل یا نائب فاعل قرار می گیرد: (۱) قبلش فعل ماضی باشد (۲) قبل از (نا) ساکن باشد (۳) (نا) به لام الفعل چسبیده باشد.....< مانند (ضَرَبْنَا)

*فرمول ترکیبی: هر گاه بین مبتدا و خبر واسم نواسخ ضمیر منفصل بیاید، ضمیر فصل (عماد) محسوب میشود (إنه هو التواب)

1. یا اصلی است: که در این صورت نیاز به متعلق دارد (تواصوا بالحق "باء: حرف جار متعلق به کلمه تواصوا")

*قانون: حروف جار ۲ حالت دارند:

2. یا زائد و شبه زائد میباشد: احتیاج به متعلق ندارد (أليس الله بقادر "باء: زائده")

*ضمیر شان (فقط، هو، هی، ه، ها، است):

1. یا مبتدا است: هو الله أحدًا

2. یا اسم نواسخ: إنه سعيد قائم

*نکته: (ها)، بعد از (أی) همیشه تنبیه است (أیها الکافرون)

*قانون: آیها+اسم (ال) دار "۳ ترکیب دارد (بدل، عطف بیان، نعت) "

۱. یا قبل آن (یا) است..... <یا (نداء)، آیها (منادا) مانند (یا آیها الکافرون)

۲. یا قبل آن (یا) نیست..... <آیها (مفعول به یا منادی برای فعل یا نداء محذوف) مانند (السلام علیک آیها النبی...)

*نکته: هرگاه دو اسم مرفوع آمد، آخرش کلمه (است) گذاشتیم معنا داد مبتدا و خبر است (سعيد قائم سعيد اىستاده است)
 *عائد وقتى در صله مفعول به قرار مى گيرد محذوف مى شود چون فاصله است مانند (لا اَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَهُ)

* لا + فعل
 (تركيب «لا»
 اگر بعد آن
 فعل باشد):

۱. ماضى: (لا) نافية است (فلا صَدَقَ فِلاصَلَّى قِيَامَت، ۳۱“)
 ۱. مجزوم: (لا) ناهيه (و لا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرِ ...“ بقره، ۳۵“)
 ۲. مرفوع: (لا) نافية (ولكن لا يَعْلَمُونَ“ بقره، ۱۳“)

2. مضارع:

فرمول: «لا» نافية مهمله «+ اسم معرفه مرفوع «مبتدا» + اسم مرفوع «جمله، خبر برای مبتدا» (ولا أنتم عابدون)

*قانون: کلمه «همیشه فعل ماضى است» + ضمائر «ت، تما، تم، ت، تن، ت، تاء تانيث» (ضَرَبْتَ، عَبَدْتُمْ و.....)

*ضمير منفصل مرفوعى + اسم فاعل مرفوع..... < مانند (أنت ضارب)

مبتدا خبر

اگر در جنس وعدد مطابقت داشت

*هرگاه جار ومجرور آمد بعد کلمه مرفوع آمد و آخر آن دو(است) گذاشتیم معنا داد.....<جارومجرور + کلمه مرفوع> (است) (ولهم عذابٌ أليمٌ برایشان عذابی است)

خبرمقدم مبتدا موخر

نکته: اسم(ال) دار بعد از اسم اشاره حتما (ال) او،عهد حضوری است

*نکته:غالباً (ال)تعریف، (ال)عهدذهنی یا استغراق افراد است

۱. مصحوب(ال) یا اسم فاعل یا اسم مفعول باشد.....<(ال)موصول می شود مانند(جاء الضارب)

۲. مصحوب(ال) موصول مختص باشد.....<(ال)زائده لازمه یا حرف تعریف (الذین)

*طریقه تشخیص(ال):

۳. مصحوب(ال) علم باشد.....<(ال)زائده (الحسین)

۱. یا مصحوب(ال) قبلاً بدون(ال) ذکر شده.....<(ال)عهدذکری (جاء رجل ورات الرجل)

۲. یا مصحوب(ال) حاضر

است...<(ال)عهدحضوری (ذلک الکتاب)

۳. یا مصحوب(ال) حضوردر

ذهن دارد.....<(ال)عهدذهنی (تحت الشجره...فتح، ۱۸)

۱. یا از مصحوب(ال) یک فرد

معین قصدشده.....<(ال)عهد:

۴. یا هیچکدام...<(ال)تعریف:

۱. یا همه افراد قصدشده...<(ال)استغراق افراد (إنّ الانسان لفي خسر)

۲. یا صفات افراد قصد شده...<(ال)استغراق صفات

مانند(أنت الرجل علماً)

۳. یا فقط ماهیت بدون افراد قصدشده...<(ال)ماهیت

مانند (الرجل خیر من الأمره)

۱. یا خیر...<(ال)جنس:

*فرمول: ما "استفهامیه، مبتدا" + ادراك "فعل، «هو» فاعل جمله خبر برای «ما» + "ما" استفهامیه، مبتدا" + اسم مرفوع "خبر" (و ما ادراك ما ليله القدر)

*ترجمه دقیق جمله (و ما ادراك ما ليله القدر)...<چه چیزی آگاه می کند تورا که شب قدر چیست؟>

*قانون: اگر (مِن) دیده شد و مابعدش نکره و کلام قبلش منفی یا منهی و استفهام بود در این صورت، (مِن) زائده و مابعد آن، فاعل یا نائب فاعل و مبتدا و یا مفعول به میشوند

*قانون: فعل ماضی یا مضارع (صیغه ۱، ۴) + اسم مرفوع (فاعل) است (ضَرَبَ سَعِيدٌ)

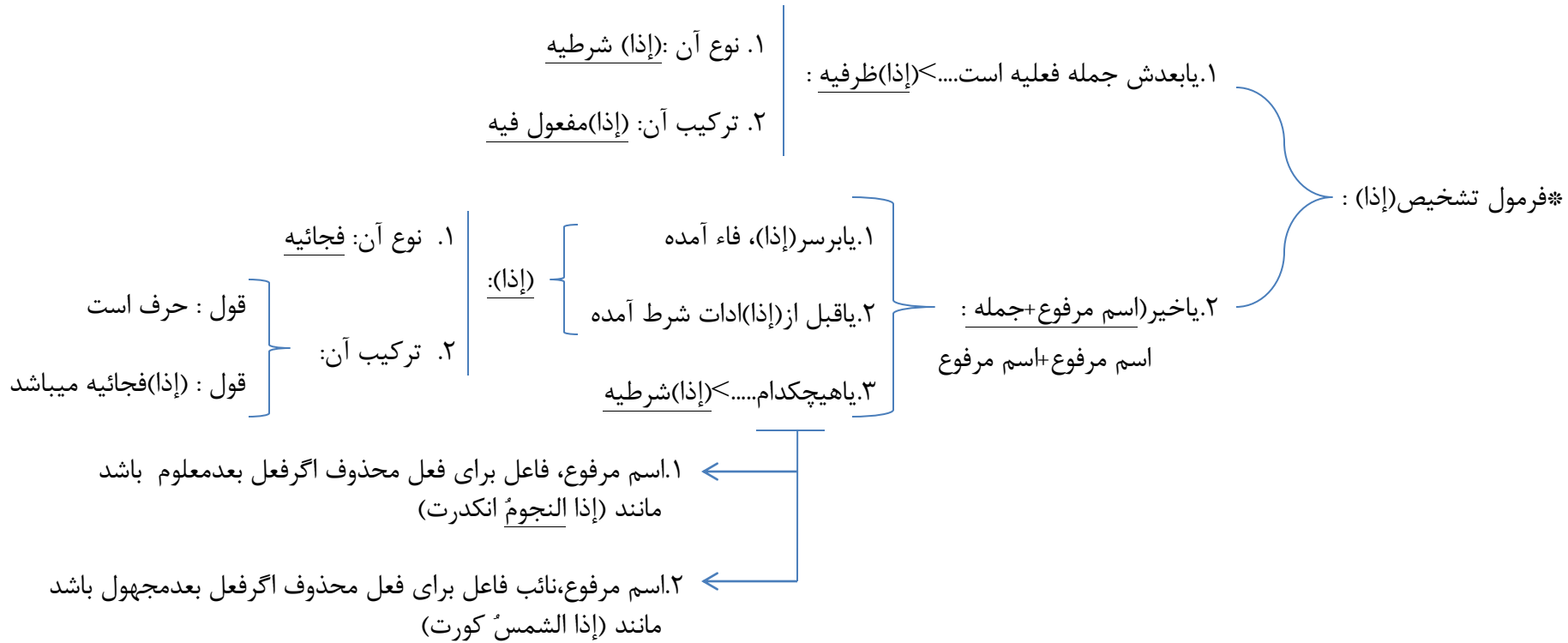
*نکته: فعل ماضی و مضارع فقط صیغه ۱، ۴ آن فاعلش میتواند اسم ظاهر باشد و در غیر آن صیغه حتما فاعل ضمیر است

۱. اگر اعداد ۱ تا ۱۰ بود... <مضاف الیه (ثلاثة رجالٍ)>

۲. اگر اعداد ۱۱ تا ۹۹ بود... <تمییز (أحد عشر كوكباً)>

۳. اگر اعداد (مائه، مائتان، ألف، ألفان، آلاف) بود... <مضاف الیه (مئة رجلٍ)>

*فرمول: اعداد + اسم نکره :



* قانون: هرگاه (إذا) آمد بعدش جمله فعلیه آمد قطعا (إذا) غیر فجائییه است

ظرفیه

* قانون: لا "نفی جنس" + اسم نکره مفتوح "اسم" «لا» مبنی بر فتح و محلا منصوب "مانند (لا ریب)"

* قانون قرآنی: اگر اسمی در آخر آیه قرآن بود و اگر در اول آیه بعد موصول بود و اگر آن دو (اسم و موصول) در جنس و عدد مطابق بودند، در این صورت آن اسم آخر آیه شش ترکیب، (نعت، بدل، تاکید، مفعول به برای فعل محذوف، خبر برای مبتدا محذوف، مبتدا و خبر محذوف) میتواند بگیرد. (اسم "آیه" موصول) مانند: «فیه هدی للمتقین... الذین»

<p>۱. چون حرف هستند ترکیب ندارند ۲. اسم هستند ولی ترکیب ندارند</p>	<p>قول اول: ترکیب ندارد:</p>	<p>*نکته قرآنی: اختلافات در حروف مقطعه:</p>
<p>۱. محلا مرفوع: مبتدا یا خبر ۲. محلا منصوب: م به برای فعل محذوف ۳. محلا مجرور: به حرف جر قسم محذوف</p>	<p>قول دوم: ترکیب دارد:</p>	

*نکته بلاغی: گاهی متعلق جارومجرور بعد از جارو مجرور می آید مانند (بالأخرة جارومجرور متعلق به «یوقنون» هم یوقنون) که در این آیه جارومجرور به خاطر سجع آیه مقدم شده است.

*قانون: ضمائر منفصل مرفوعی + فعل "به شرط تطابق با ضمیر منفصل مرفوعی" مانند (وبالأخرة هم یوقنون)

مبتدا خبر

*قانون: هرگاه بعد از کلمه «إلیک» وفروعاتش اسم منصوبی آمد، «إلیک» جارومجرور نیست بلکه اسم فعل امر میباشد مانند (إلیک وما أنزل من قبلک...)

*قانون: اگر بعد از اسم اشاره یا اسم فعل، ضمائر (ک، کما، کم، ک، کما، کُنَّ) بیاید حرف خطاب هستند و نه ضمیر مانند (اولئک هدی)

*فرمول: سواءٌ، لأبالي، ليتَ شعري، ماأبالي+همزه (أ)“تسويه” +جمله... + أم “متصله”+جمله...

*نکته: تمامی اسماء، اعراب به همراه ترکیب می گیرند: به جز(اسم فعل، ال موصول، ضمیر فصل)که محلی از اعراب ندارد و ترکیبی جز خودشان ندارند.

*نکته: اگر اسم اشاره آمد و بعد آن حرف خطاب آمد، آن اسم اشاره به مشارالیه خود و حرف خطاب به سامع بر میگردد.

*نکته قرآنی: در جمله(اولئک هم المفلحون...) کلمه(المفلحون)رامی توان به دو صورت ترجمه کرد:

اول: می توان (ال) را در ترجمه نیاریم و به صورت اسم فاعل ترجمه کرد (آنان فقط رستگارانند)

دوم: می توان (ال) را در ترجمه بیاریم و به صورت موصول مختص و جمله فعلیه ترجمه کرد (آنها فقط کسانی هستند که رستگار میشوند)

* سواءً أ + جمله + أم + جمله

ترکیب اول: خبرمقدم تسویه، معطوف علیه، متصله، معطوف
موصول حرفی صله معادله

مصدر موول مبتداموخر

ترکیب دوم: به معنا(مُستَوٍ)، تسویه، معطوف علیه، متصله معطوف
مبتداوصفی موصول حرفی صله

مصدر موول فاعل

* سواءً <به معنا(اینکه)

ماأبالی <به معنا(باکی نیست)

لاأبالی <به معنا(باکی نیست)

لیت شعری <به معنا(ای کاش می دانستم)

* نام دیگر همزه تسویه ، موصول حرفی است که ما بعد خود را تاویل به مصدر می برد

* گاهی همزه تسویه بعد از « سواء » حذف می شود

*قانون: اگر کلمه ای بروزن «فَعَلَ» و مابعدش اسم مجرور بود، آن کلمه فعل نیست بلکه اسم میباشد و تنوین آن بر اثر اضافه حذف شده مانند (هو الذی خَلَقَ لَكُمْ مافی الارض)

*قانون: اگر کلمه ای بروزن «» و مابعدش اسم مضموم بود، آن کلمه صد در صد فعل ماضی است مانند (خَتَمَ اللهُ علی قلوبهم....)

*قانون: (مَنْ) هرگاه موصوله بود می شود آن را نکره موصوفه نیز بگیریم و مابعدش به جای صله (مَنْ)، صفت میشود مانند (مَنْ يقول آمناً بالله....)

*فرمول: (إِنْ "مخففه از مثقله") + افعال ناقصه + لام مفتوح (لَ "لام فارقه") مانند (إِنْ يَكَاذُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيَـزْلِقُونَكَ)

*طریقه تشخیص نون وقایه: اگر نون مکسور آخر فعل امر حاضر صیغه سوم و یا به نون (باء) چسبیده بود نون وقایه است (فاتقون ، ضربونی)

*طریقه تشخیص نون عوض از رفع: نون در افعال خمسه همیشه عوض از رفع میباشد (يُخَادِعُونَ الله)

*طریقه تشخیص نون عوض از تنوین: نون در اسم تشبیه و جمع مذکر سالم عوض از تنوین است

*	ما	بعدش	إِلَّا
*	إِنْ	بعدش	إِلَّا
*	إِنْ	بعدش	لَمَّا

و إِلَّا، لَمَّا، (ادات استثناء) هستند

*فرمول: ما "حرف مشبیه به «لیس»" + اسم (اسم مرفوع یا ضمیر منفصل مرفوعی "اسم «ما»") + ب "زائده" + اسم مجرور "خبر «ما» محلا منصوب لفظا مجرور"

*حروف جار + ما

۱. یا (الفِ "ما" حذف شده < (ما) استفهامیه است مانند (بِمَ)

۲. یا (الفِ "ما" حذف نشده < (ما) موصوله است مانند (بِما)

۱. یا متصل به (ما) هستن: (إِنَّمَا) (ما) ... زائده کافه ، (إِنَّ) حرف مشبیه مهمله

* (أَنَّ، إِنَّ) مشبیه:

۲. یا متصل به (ما) نیستن: (إِنَّ) "حرف مشبیه" ما "موصوله، اسم (انّ)" صلّه اسم مرفوع "خبر (انّ)"

نکته مهم: تنها ۲ آیه در قرآن کریم پیدا کردیم که لفظ (ما) به (أَنَّ) چسبیده اما آن را از عمل باز نداشته است:

*سوره "غافر"، ۴۳ " (لا جرم أَنَّمَا تَدْعُونِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَكَ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ) " أَنَّ: حرف مشبیه بالفعل ناسخ " ما: اسم أَنَّ"

*سوره " آل عمران ، ۱۷۸ " (وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّ لَهُمْ خَيْرًا لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّهُمْ لُمَلِّ لِيُزَادُوا...)
"أَنَّ: حرف مشبه بالفعل" " ما: مصدریه، اسم أَنَّ"

۱. یا مشدد هست: (لکن) حرف مشبیه بالفعل می باشد

*لکن:	۱. یا این شرایط را دارد:	۱. همراه (واو) نیست
	۲. یا این شرایط را ندارد: (لکن) <u>عاطفه می باشد</u>	۲. کلام منفی یا منهی باشد ۳. بعدش مفرد باشد
	۲. یا این شرایط را ندارد: (لکن) <u>مخففه از مثقله می باشد</u>	۲. یا <u>مخفف</u> هست:

۱. اسم نکره: (ألا) تمنی یا استفهام از نفی یا تویخیه می باشد

۲. غیر اسم نکره: (ألا) تنبیه، استفثائیه می باشد

۱. یا بعدش اسم است:

*ألا:

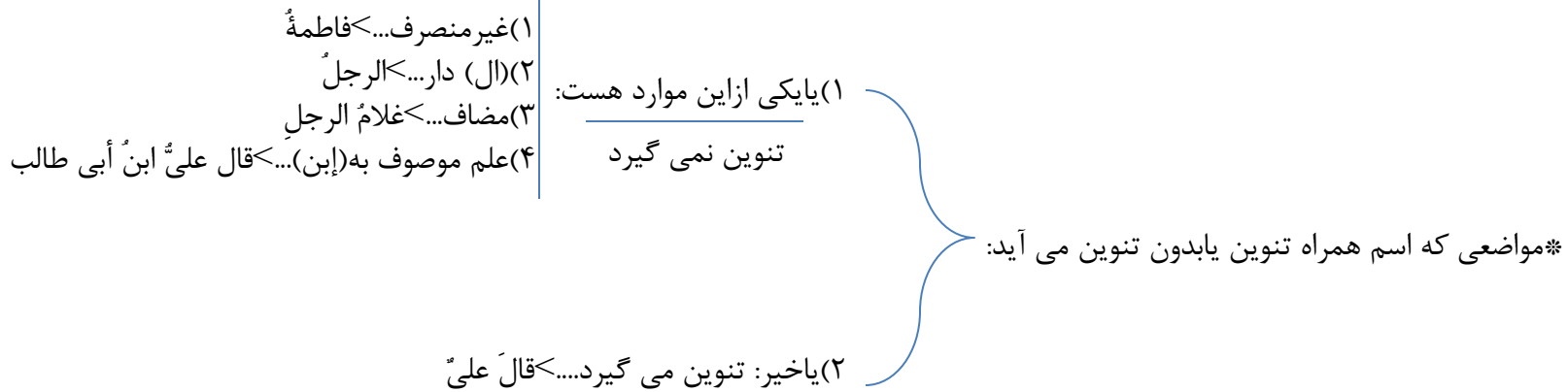
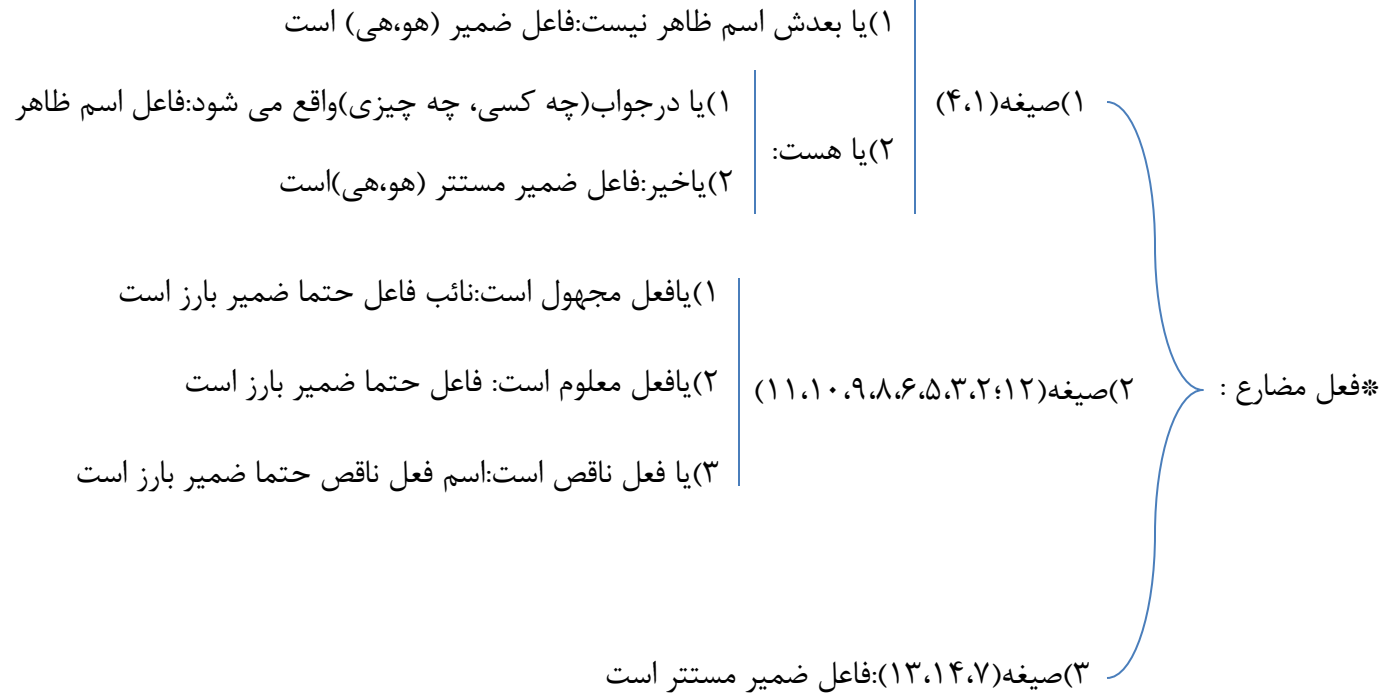
۲. یا بعدش فعل است: (ألا) یا عرضیه است یا تحضیضیه مانند (ألا تاکلون ، ألا تُقاتلون)

*نکته: بعد از (ألا) تنبیه، استفثائیه اگر (الف، نون، مشدد) آمد هیچ گاه (الف) مفتوح خوانده نمی شود و (الف) مکسور می باشد مانند (ألا إِنْهُمْ هم المفسدون...)

*نکته: هرگاه قبل از (همزه) کلمات (سواء، ماأبالی، لأبالی، لیت شعری) نیامد، (همزه) استفهامیه است مانند (أ نومینُ)

*بعد از موصول اگر ظرف تنها بیاید متعلق به (إِسْتَقْرَّ) محذوف و صلّه می شود مانند (جاء الذی فی الدار) جارومجرور، متعلق «استقرّ» محذوف، صلّه الذی

*نکته: البته (لکن) را همیشه در همه جا می شود استدراک نیز گرفت چون در تمامی موارد، معنای استدراک وجود دارد.



۱) یا بعدش فعل مضارع می باشد: جازمه، و به معنا (هنوز) (لَمَّا يَضْرِبُ سَعِيدًا)

۲) یا بعدش فعل ماضی می باشد: شرطیه، به معنا (چونکه، وقتیکه، زمانیکه) (فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَ أجمعوا..... “یوسف، ۱۵”)

۳) یا بعدش غیر از این ها است: استثنائیه، به معنا (مگر) (إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ)

* (لَمَّا):

۱) به فتح «واو» (أَوْ)....<همزه آن (استفهامیه)، واو آن (عاطفه) غالباً مانند (أَوْ مِنْ يُنشَأُ فِي الْحَلِيَّةِ..... “زخرف، ۱۸”)

* وجوه استعمالی (أَوْ):

۲) به سکون «واو» (أَوْ)....<همیشه عاطفه می باشد مانند (أَوْ كظلمات في بحرٍ..... “تور، ۴۰”)

۱) شرطیه: لو + جمله فعلیه ماضویه “شرط” + لَ “در جواب «لو» + جمله “جواب شرط” (و لو شاء رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً “هود، ۱۱۸”)

۲) تمنیه: (فَلَوْ أَن لَنَا كَرَّةٌ فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ “شعراء، ۱۰۲”)

۳) عرضیه: (لَوْ تَنَزَّلَ عَلَيْنَا فَتُصِيبَ خَيْرًا)

۴) مصدریه: فرمول: (وَدَّ، يُوَدُّ)..... لو + جمله فعلیه (يُوَدُّ أَحَدَهُمْ لَوْ يُعْبَرُ أَلْفَ سَنَةٍ “بقره، ۹۶”)

* اقسام (لو):

مصدر موول مفعول به

برای (وَدَّ، يُوَدُّ) می باشد

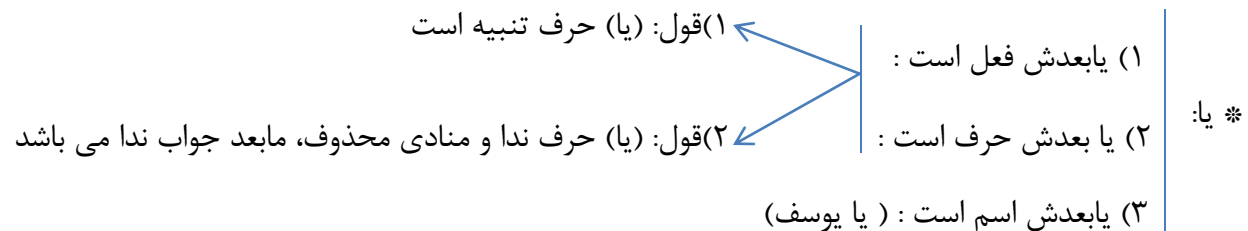
- * افعال مقاربه:
- (۱) رَجَاءٌ: عَسَى
 - (۲) قَرَبٌ: كَادَ، كَرَبَ
 - (۳) شُرُوعٌ: جَعَلَ، أَخَذَ

- * حالات (جَعَلَ):
- (۱) افعال شروع: اسم مرفوع + فعل مضارع
 - (۲) افعال تصییر: دومفعولی هستند
 - (۳) غیر آن دو:
 - (۱) به معنای (خَلَقَ): یک مفعول می گیرد
 - (۲) غیر آن دو مفعول می گیرد

* نکته: (كَلِمًا) همیشه ظرف مختص و متضمن معنای شرط است

* افعال مقاربه + اسم آنها + فعل مضارعه “خبر افعال مقاربه” (لا تفتلوه عسى أن ينفعنا أو نتخذها ولدا.... “قصص، ۹”)

- * متعلق ظرف، جار و مجرور:
- (۱) یا آنهاصله هستند: متعلق حتما فعل می باشد (إِسْتَغَرَّ، كَان، ثَبِت، حَصَلَ)
 - (۲) یا آنها خبر، حال، صفت متعلق هستند:
 - (۱) میتواند: اسم فاعل باشد (كَائِنٌ، ثَابِتٌ)
 - (۲) میتواند: جمله (فعل) باشد (تَبَّتْ، حَصَلَ و.....)



* یا "ندا" + أیّ منادی + ها "تنبیه" + ال + اسم + جمله "جواب ندا"
 ۳ ترکیب می گیرد:
بدل، عطف بیان، نعت

*قانون: در اضافه معنویه اگر مضاف یکی از کلمات (غیر، مثل، حسب) باشد، مضاف از مضاف الیه کسب تعریف نمیکنند و در غیر این سه کلمه اگر مضاف الیه معرفه بود، مضاف از مضاف الیه کسب تعریف میکند مانند (غلامٌ سعیدٍ)

(۱) یا مابعدش معرفه: (مِنْ) اصلی و مابعدش مجرور

* مِنْ :

(۱) یا کلام منفی، منهی، استفهام
باشد (مِنْ) زائده، ترکیب مابعد آن:

(۲) یا بعدش نکره :

(۱) یا در کلام فعل نیست: مابعد (مِنْ) مبتدا است (ما مِنْ رَجُلٍ قائم)

(۲) یا در کلام فعل هست:

(۲) یا فعل معلوم:

(۱) یا لازم است: مابعدش فاعل است
(ما جِلسَ مِنْ رَجُلٍ)

(۲) یا متعدی:

← (۱) یا فاعل گرفته: مابعدش مفعول به است
(ما رَیْتُ مِنْ رَجُلٍ)

← (۲) یا خیر: (مِنْ) زائده مابعدش فاعل است
(ما ضَرَبَ مِنْ رَجُلٍ)

(۲) یا خیر: (مِنْ) اصلی و مابعدش مجرور

فاء :
(نظرا بن هشام)

(۱) یا قبلش ادات شرط هست: (فاء) جزائیه

(۱) یاد ر خبر مبتدا آمده است: (فاء) زائده

(۲) یا نیست:

(۲) یا خیر: (فاء) عاطفه

* ترکیب (إذ):

(۱) یا قبلش کلمات (بینا، بینما) آمده: (إذ) فجائیه مانند: (إِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا كَرِجٌ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ حُلُومٌ إِذْ صَاحَ بِهِمْ..... "بحار الانوار")

(۱) یا علت برای ماقبلش هست: (إذ) تعلیلیه مانند: (إِذْ نُسَوِّدْكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ "شعراء، ۹۸")

(۱) یا قبلش اسم زمان آمده: (إذ) مضاف الیه

(۲) یا خیر:

(۲) یا قبلش کلمه (أذكر) آمده ویا در اول آیات قصصی: (إذ) مفعول به (واذكروا إذ كنتم قليلا" اعراف، ۸۶")

(۲) یا نیست

(إذ) ظرف زمان میباشد:

(۳) یا خیر: } (۱) بدل
(۲) مفعول فيه } نادر الوقوع

(۱) یادرموضوع له خود بکار رفته است: حقیقت

*نکته بلاغی: لفظ

(۱) یا علاقه مشابَهت: مجاز

(۲) یادرغیرموضوع له خود بکار رفته است:

(۲) یا غیرعلاقه مشابَهت: استعانت

۱) شرطیه: (إِنْ) + جمله فعلیه + فَ + جمله به معنا... <(اگر) مانند: (إِنْ يَنْتَهَوْا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعِدُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ "انفال، ۳۸")

۲) نافییه: (إِنْ) + (إِلَّا)..... به معنا... <(نفی) مانند (إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ "ص، ۷")

۳) مخففه: (إِنْ) + افعال ناقصه لَ به معنا... <(همانا) مانند: (وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ.....)

۴) زائده: (ما نافییه، الا استفتاحیه، ما موصول اسمی و مصدر زمانی) + (إِنْ) مانند: (إِشْتَرَيْتَ مَا إِنْ ضَرَنْتَ)

۵) وصلیه: وَ + (إِنْ) + فعل وصلیه مینامند چون نیاز به جواب ندارد به معنا... <(اگر چه) مانند: (أَكْرَمَ أَبَاكَ وَإِنْ بَخَكَ)

* إِنْ :

قانون: اگر اسم معرفه ای آمد "باش شرط اینکه آن اسم معرفه، مرفوع به غیر از فاعل و یانائب فاعل نباشد و همچنین مبتدا نیز نبود" موصول بعد آن "صفت" میباشد البته با شرط مطابقت عدد و جنس بین اسم معرفه و موصول مانند: (فَاتَقُوا النَّارَ الَّتِي..... "صفت" بقره، ۲۴)

- ۱) جمله اسمیه مانند: (فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ "بقره، ۲۳۴")
- ۲) فعل امر نهی مانند: (وَإِنْ كُنْتُمْ فَبِ رَيْبٍ مِمَّا... فَأَتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ... "بقره، ۲۳")
- ۳) ماضی جامد
- ۴) ماضی متصرف همراه (قَدْ) مانند: (إِنْ كُنْتَ قَلْتَهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ "مائده، ۱۱۶")
- ۵) جواب همراه (سین، سوف، لن) مانند: (مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ "مائده، ۵۴")
- ۱) فاء...< اگر در جواب:
- ۲) (إِذَا) فجائیه...< اگر جواب جمله اسمیه باشد مانند (إِذَا أَصَابْتَهُمْ مَصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ...)
- * جواب ادات شرط:
- ۱) (أَوْ) یا بعدش (لو) است...< لَوْ جَاءَ سَعِيدٌ لَأَكْرَمَهُ
- ۲) یا لام مفتوح:
- ۳) (أَوْ) یا بعدش (لَوْ) است...< لَوْ لَا عَلِيٌّ لَهْلَكَ عَمْرٌ

۱) یا قبل آن دو (مِنْ) آمده: (قبل وبعد) مجرور خوانده می شود (مِنْ قَبْلِ الْأَمْرِ)

۲) یا (مِنْ) نیامده: (قبل، بعد) منصوب خوانده می شود (قَبْلَهُ الْأَمْرِ)

۱) یا بعدش اسم مجرور هست :
مضاف الیه

* کلمات (قَبْل، بَعْد):

۲) یا خیر (معنای مضاف الیه گرفته شود): (قبل، بعد) مبنی بر ضم خوانده می شود غالبا (مِنْ قَبْلِ)

*حروف مشبیهه + اسم منصوب + جمله

اسم حروف مشبیهه خبر آن

جواب(أَمَّا)

*قانون: (أَمَّا) «حرف شرط، توکید، اگر (أَمَّا) تکرار شد تفصیل هم نامیده میشود» + فاء «عماد، در جواب(أَمَّا)» «غالباً بعد از «فاء» خبر می باشد» ↓

غالباً بعد از (أَمَّا) مبتدا می آید

مانند: فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ.... «بقره، ۲۶»

*قانون: هرگاه یک اسم مشتق صفت و حال نبود، علاوه بر ترکیب ظاهری اش مثلاً فاعلیت، ترکیب واقعی آن صفت برای ترکیب خودش میباشد مانند(جاء الضاربُ)

جواب شرط

نکته: تنها ادات شرطی که نیازی به شرط ندارد، (أَمَّا) شرطیه میباشد (أَمَّا زَيْدٌ «مبتدا» ففائمه «خبر»)

*قانون: کلمه «جمع» اگر قبلش اسمی بود و مضاف به ضمیری باشد که برگردد به اسم ماقبلش، در این صورت تاکید «جاء القوم جمعهم» میشود

و اگر کلمه «جمع» به صورت منصوب و باتنوین باشد، حال «جمعاً ثم استوی» میشود

اسم(ال)دار	+	ذا	ما	*
بدل، عطف بیان، نعت		اشاره، خبر	استفهام، مبتدا	ترکیب (۴)
فعل متعدی + فاعل	+	ذا	ما	*
		زائده	مفعول به مقدم	ترکیب (۵)

فعل	+	ذا	ما	*
جمله صلّه		موصول، خبر	استفهام، مبتدا	ترکیب (۱)
جمله خبر		زائده	مبتدا	ترکیب (۲)
جمله خبر برای مبتدای دوم		اشاره، مبتدا دوم	استفهام، مبتدای اول	ترکیب (۳)

خبر برای مبتدای اول

(۱) افعال قلوب: «کیف» مفعول به دوم مقدم (کیف ظَنَنْتُ سَعِيداً)

(۱) یا تام: { (۱) بیشتر: حال (کیف جاء سعید) (۲) کمتر: مفعول مطلق (۲) یا اخیر:

(۲) یا ناقض: (کیف) خبر مقدم (کیف کُنت)

(۱) یا صفت: (کیف) حال (کیف ضارب سعید)

(۲) یا غیر صفت: (کیف) خبر مقدم (کیف سعید)

(۱) بعدش (ما) هست: (۱) نوع: (کیفَما) شرطیه

(۲) ترکیب: (کیف) حال ، (ما) زائده

(۱) نوع: استفهامیه

(۱) یا بعدش فعل هست:

(۲) یا بعدش اسم هست:

(۲) ترکیب:

* (کیف):

(۲) بعدش (ما) نیست:

باتوفیقات الهی و توجهات حضرت بقیةالله الأعظم (روحی فداه)

وزحمات حضرت استاد حجت الإسلام والمسلمین شیخ رضاعامری (دامت إفاضاته) موفق شدیم

جزوه مختصری باتوجه به آموخته های ادبی تهیه و آماده کرده و در خدمت علاقه مندان به معارف و حیانی قراردهیم

از خداوند متعال مسئلت مینماییم که ما را در این راه هرچه بیشتر موفق و مؤید بدارد و به اساتید گرامی طول عمر باعزت

همراه باتوفیقات روز افزون عنایت بدارد

و در آخر از تمامی عزیزانی که در جمع آوری این جزوه ما را کمک کردند تشکر و قدرانی مینماییم.

وَأَخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و السلام علیکم و رحمه الله وبرکاته

دانیال عباسپور، حوزه علمیه امام صادق (علیه السلام)